جام جم

ویژه فرهنگ - هنر
رسانه - جامعه

۵

چهارشنبه ۱۶ آذر ۱۴۰۱ ۶۳۷۵

حرکت درست تلویزیون در استعدادیابی کودکان

۹

«جام جم» اهداف و چالش‌های پیش‌روی برنامه‌های استعدادیابی را بررسی می‌کند

سکوی پرتاب استعدادهای گمنام

۸

ویژه

دانشجو به روایت سینما

۱۰

رویای زرد پررنگ

روان‌شناسی زرد با القای افراطی احساسات مثبت مانع خودشناسی واقعی می‌شود

۱۲

رسانه

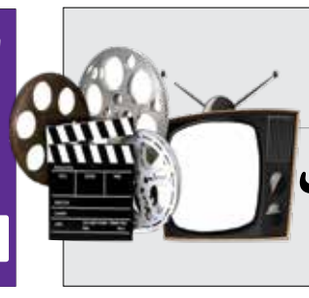

بیش از هزار تیزر رایگان در ۲ ماه

فرصت طلایی رسانه ملی برای سینمای ایران

۶

رسانه

چرا تماشای سریال تازه شبکه یک می‌تواند جذاب باشد؟

اقتدار گیل‌دخت در خانه اربابی

۷

ادبیات

به انگیزه هفتمین روز درگذشت شاعر کارنامه شعری مفتون امینی را بررسی کرده‌ایم

بومی‌سُرای دلبسته آذربایجان

۱۱

یادداشت

سلبریتیسم!

علی ترابی
گروه فرهنگ و هنر

توجه به گفته چهره‌های پرآوازه یا همان‌هایی که به عنوان سلبریتی شناخته می‌شوند، مسأله پیچیده‌ای است که گاهی دردسرساز هم می‌شود. مشابه شرایط اخیر کشور که گفته‌های این چهره‌ها مسبب مشکلاتی هم شده است. افراد زیادی از مسئولان تا مردم دغدغه‌مند درپی راهکاری برای این مسأله بوده و سعی دارند چاره‌ای برای آن بیندیشند.

این نوشته سعی می‌کند جوانب مختلفی از سلبریتیسم را در قالب چند نکته مورد بررسی قرار دهد.

۱. شاید برخی بگویند که ای‌کاش پرآوازه‌ها حرف نزنند یا مثلا چه خوب بود اگر اینها درباره سیاست و مسائل اجتماعی چیزی نمی‌گفتند. این سخن ناصواب است، چراکه به‌هرحال در یک جامعه مترقی کسی نمی‌تواند دیگری را دعوت به سکوت و حرف نزدن کند. این امر کاملا برخلاف آزادی بیان و محدودیتی نازیبا است. شاید درست‌تر این است که هرکسی در زمینه تخصصی خود صحبت کند، هرچند که این گزاره هم کاملا همسو با آزادی در سخن گفتن نیست. در اینجا ذکر این نکته لازم است که منظور از آزادی بیان، آن رفتار غلطی که در غرب به نام این مفهوم جریان دارد نیست، بلکه شکل حقیقی آن مورد نظر است.

۲. شنونده باید عاقل باشد! این گزاره که برگرفته از ضرب‌المثل معروفی است، اینجا کارکرد زیادی دارد. درست است که هرکسی برای سخن گفتن در هرزمینه‌ای آزاد است اما آیا می‌توان از مخاطب عاقل و سلیم انتظار داشت هر حرفی را از هر کسی بپذیرد؟ مثلا اگر روزی یک خبرنگار حوزه فرهنگی اظهارنظری درباره یک بیماری پزشکی داشته باشد، عمل کردن به نظر او پذیرفتنی است؟

اینجا هم ماجرا همین است. اگر کسی بازیگر خوبی است، صحبت‌های او در زمینه هنر بازیگری و مسائل اطراف آن پذیرفتنی است یا مثلا یک فوتبالیست صرفا در حوزه ورزش و فوتبال می‌تواند سخنان محکمه‌پسندی داشته باشد، مگر آن‌که به‌جز تجربه‌اش در فوتبال، تحصیلکرده و پژوهشگر حوزه دیگری هم باشد. البته ماجرا فقط ناظر به رویکردهای سیاسی سلبریتی‌ها نیست کما این‌که هیچ وقت یک بازیگر توانمند، متخصص حوزه پوست و مو نیست!

۳. این مسأله لزوم رجوع به متخصص و درست شنیدن در دیگر حوزه‌های کاری را هم دربر می‌گیرد. مثال آشکار آن هم رجوع مراجع تقلید به مراکز درمانی است. بارها مشاهده شده کسی که به‌واسطه سواد فقهی، آیت عظمای خداوند شده هم در بیمارستان بستری می‌شود یا به مطب پزشک می‌رود. اینجا کسی که تقلید از او بر دیگران واجبِ دینی است، خود رهرو توصیه‌های دیگری می‌شود. حرف این است که شمار افراد ذوالفنون زیاد نیست، شنونده باید عاقلانه رفتار کند و برای گرفتن اطلاعات درست سراغ منابع اصلی با دانش بالا برود.

۴. اما از آنجا که در مباحث سواد رسانه‌ای یکی از تکنیک‌های مهم اقناع، گواهی دادن توسط افراد شاخص و اصطلاحا سلبریتی است، نمی‌توان از مخاطب انتظار داشت که کاملا هوشمند عمل کرده و به سخنان غیرتخصصی چهره‌های پرآوازه وقعی ننهد! اینجا عملکرد مسئولان حوزه‌های مختلف و خاصه آنها که فعالیت‌شان ارتباط بیشتری با سلبریتی‌ها دارد، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. این‌که رویکرد مناسب مسئولان فرهنگی و ورزشی درخصوص تعامل با پرآوازه‌ها باید چگونه باشد، فرصتی مفصل در یادداشتی دیگر می‌طلبد اما به شکل خلاصه شاید مهم‌ترین اشتباه صورت‌گرفته در این زمینه، عدم توانایی مدیران فرهنگی و ورزشی در همسو کردن ذهن سلبریتی‌ها و دوری‌گزینی از این جماعت باشد.

گزارش

نگاهی به رفتارهای قشری در یک حوزه تخصصی

انجمن صنفی یا پاتوق سیاسی؟

مینوخانی
عضو انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران
فرهنگ

از سال ۱۳۷۶ و تقریبا یک سال بعد از راه‌اندازی انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی، یکی از اصناف خانه سینما، عضو پیوسته آن هستم. طی این سال‌ها در هیچ‌یک از مجامع عمومی برای انتخاب هیچ فردی در شورای مرکزی شرکت نکردم؛ چون معتقد بودم آن کس که مایل به حضور در شورای مرکزی است قطعا مورد تایید همگانی است که در رای‌گیری شرکت کرده‌اند و به نظر جمع احترام گذاشتم. درباره نتیجه هیچ‌یک از جلسات نظری نداشتم، چون به انتخاب افراد اصلح در شورای مرکزی و تصمیمات‌شان باور داشتم. تا امروز به‌جز سال‌هایی که به عنوان نماینده یک رسانه در جشنواره فیلم فجر حضور داشتم، چیزی جز کارت عضویت انجمن برای دریافت کارت جشنواره بهره‌ای از انجمن نبرده‌ام و هر ساله حق عضویتم را به‌موقع پرداخته‌ام. از بین همه مدیران متعدد این سال‌ها فقط یک بار از رئیس هیات‌مدیره فعلی خواستم به دلیل وظایف صنفی انجمن که اصل و اساس راه‌اندازی صنوف خانه سینماست، درباره حق‌التحریر منتقدان تصمیم‌گیری شود و مثل انجمن فیلمنامه‌نویسان مبلغی را مشخص کنند تا حقی از منتقدان در عرصه مطبوعات زایل نشود؛ به‌خصوص برای کسانی که راه ارتزاق‌شان نوشتن است وگرنه من که شغل رسمی‌ام را دارم. اتفاقی که تا امروز که این یادداشت را می‌نویسم، رخ نداده است.

خرق عادت

اما چند روز پیش اطلاعیه‌ای از سوی انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی مبنی بر «عدم شرکت در رویدادهای سینمایی پیش رو» منتشر شد که سوال‌های زیادی را به دنبال داشت. اول از همه، این اطلاعیه چرا امضا نداشت؟ چرا افرادی که معتقد به محتوای آن اطلاعیه بودند اسامی‌شان را ذکر نکرده بودند؟ مگر شبیه همین اطلاعیه اخیر انجمن مستندسازان نیست و مگر دو صفحه اسم به دنبال آن نبود؟ همین اسم نداشتن باعث شد بسیاری از رسانه‌های رسمی و غیررسمی اطلاعیه را به همه اعضا منتسب کنند و تیتر بزنند: «انجمن منتقدان در هیچ رویداد سینمایی شرکت نمی‌کند»! من یکی از اعضای قدیمی انجمن، تا وقتی این اطلاعیه در رسانه‌ها و صفحات اجتماعی انجمن منتشر شد از وجودش هیچ خبری نداشتم. مگر اسم هیات‌مدیره از اساس «شورای مرکزی انجمن» نیست؟ این چه شورایی است که درباره امری تصمیم می‌گیرد ولی اعضای آن هیچ خبری از آن ندارند؟ فارغ از این‌که واقعا معنی برخی واژه‌های این اطلاعیه-بیانیه را درنمی‌یابم. مثلا «یکسان‌سازی» یعنی چه؟ چه چیزی در حال یکسان‌سازی است جز حضور پررنگ در اینستاگرام و واکنش‌های برخی از اعضای انجمن همچون افراد بی‌اطلاع؛ نه فقط در مسائل اخیر، نمونه‌اش عکس آقای فرامرز صدیقی است که انتشار و اظهارنظرهای دوستان منتقد کاملا خلاف واقع بود یا انتشار ویدئوی اعتراضی جناب مهرجویی درباره توقیف فیلم لامینور که باز بسیاری از دوستان منتقد بدون راستی‌آزمایی اقدام به انتشار آن کردند و فریاد وامصیبتا سر دادند و بعد دیدیم کار تهیه‌کننده جوان و البته ناصادق ایشان بوده است و حرفی از توقیف نبوده و سازمان سینمایی چند اصلاحیه داده که آن هم انجام و فیلم اکران شد. آیا این واکنش‌ها چیزی جز یکسان شدن با بی‌خبران نیست؟ این شمایید که خودخواسته شبیه دیگران شدید، وگرنه وظیفه منتقد نوشتن درباره فیلم و کمک به درک مخاطب از اثر است، نه همراهی با اتفاقاتی که در راستی و درستی آن تردید وجود دارد.

خودمان، جدی باشیم

چند سال پیش صدای اعضای انجمن بلند شد که سازمان سینمایی اعضای انجمن را در جشنواره فجر جدی نمی‌گیرد. نتیجه‌اش حضور یک منتقد در هیات داوری جشنواره فجر و همچنین سر و سامان دادن جدی به برگزاری نشست‌های مطبوعاتی با حضور منتقدان جدی (شما بخوانید کسانی که رابطه نزدیک‌تری با هیات‌مدیره انجمن و سازمان سینمایی داشتند) شد. به نظرم این یک نمونه از تعامل سازمان سینمایی با انجمن منتقدان است. مسأله اینجاست اگر نکته و درخواست رسمی از سوی انجمن به سازمان سینمایی یا دبیر جشنواره فیلم فجر بوده چرا هیات‌مدیره انجمن مثل همه اعضای دست به قلمش که حتما با چند رسانه در ارتباط هستند واکنش نشان ندادند و آن را رسانه‌ای نکردند؟ یا شاید هم به دلیل تعاملات دیگر با سازمان سینمایی نخواسته‌اند درباره آن واکنش نشان دهند، اما این بار مگر بابت سهم‌خواهی از جشنواره فیلم فجر، چنین واکنش عجولانه و حتی بی‌ربط با شرح وظایف هیات‌مدیره یعنی امور صنفی اعضای انجمن نشان می‌دهد.

کدام امر صنفی را به سامان کرده‌اید؟

مهم‌تر از همه اینها، تا امروز همین هیات‌مدیره محترم که درباره اتفاقات اخیر هم در صفحات شخصی و هم از طریق اطلاعیه مذکور نسبت به اتفاقات سیاسی واکنش نشان داده کدام اتفاق صنفی را رقم زده است؟ می‌خواهید به امکان تماشای فیلم در فلان فرهنگسرا یا سینما در روز و ساعت خاص اشاره کنید که هزینه رفتن به آن فرهنگسرا، بیشتر از قیمت یک بلیت است و آیا واقعا جایگاه یک منتقد را این‌قدر تقلیل می‌دهید؟ کدام مسأله رفاهی را برای اعضای انجمن حل‌وفصل کرده‌اید؟ همان یک نمونه که شخصا از شما درخواست کردم، چرا تا به حال محقق نشده و اگر موانعی در محقق شدنش وجود دارد چرا مطرح نکردید و نسبت به رسیدگی به امور حقه مالی اعضای انجمن واکنش نشان ندادید و آن را رسانه‌ای نکردید؟

معنی شورای مرکزی و انجمن صنفی

به عنوان یک خواهر کوچک‌تر و یکی از کوچک‌ترین اعضای انجمن درخواست می‌کنم اول، اطلاعیه را حتما امضا کنید و حتما در تیتر خبر تاکید کنید «شورای مرکزی یا اعضای هیات‌مدیره انجمن بدون مشورت و حتی طرح در صفحات اجتماعی انجمن» به این تصمیم رسید و ما اعضا را که از وجود چنین اطلاعیه‌ای کوچک‌ترین خبری نداشتیم از بیانیه خود مستثنا کنید. چون به نظر می‌رسد همه ما آن‌قدر دست به قلم هستیم که خواسته‌های‌مان، حتی خواسته‌ها و اعتراض‌های شخصی‌مان را رسانه‌ای کنیم و اگر دوست داشتید در خلوت خود به این فکر کنید که معنای شورای مرکزی یا همان هیات‌مدیره چیست؟ و حتما دقت کنید معنای «انجمن صنفی» چیست؟

فاطمیه

روضه‌ای از عطر یاس بهشت

فاطمیه، ایامی است که باید دل بست به روضه بانوی دو عالم حضرت فاطمه (س) تا با توسل به حضرت، عطر یاس بهشت را با دل شنید.

نام بردن از خصوصیات حضرت فاطمه (س) کار هر قلمی نیست اما اگر اشاره به صفات آن کنیم او محکم‌ترین پشتیبان ولایت بود و لحظه‌ای از دفاع حق از پای ننشست. به مناسبت فرا رسیدن این ایام، چند روضه درباره حضرت زهرا (س) را برای دل داغداران شیعیان ولایی شنیدنی کردیم.

میثم مطیعی

برای شنیدن این روضه کیوآرکد زیر را اسکن کنید

بی‌تو چه کند مولا

حاج منصور ارضی

برای شنیدن این روضه کیوآرکد زیر را اسکن کنید

فاطمه ام دختر خیرالبشر

حاج محمدرضا طاهری

برای شنیدن این روضه کیوآرکد زیر را اسکن کنید

برای غم تو می میرم مادر

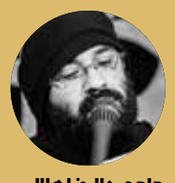

حاج عبدالرضا هلالی

برای شنیدن این روضه کیوآرکد زیر را اسکن کنید

جمعیت آن طرف و این طرف در «مادر»

حاج حسین سازور

برای شنیدن این روضه کیوآرکد زیر را اسکن کنید

فاطمه افتاد اما سوخت حیدر بیشتر

نریمان پناهی

برای شنیدن این روضه کیوآرکد زیر را اسکن کنید

به سمت زهرا از حجره دویدم من

محمدحسین حدادیان

برای شنیدن این روضه کیوآرکد زیر را اسکن کنید

واعتصموا بحبل ا... جمیعا ولا تفرقوا

سیدامیر حسینی

برای شنیدن این روضه کیوآرکد زیر را اسکن کنید

وای مادرم

حسین طاهری

برای شنیدن این روضه کیوآرکد زیر را اسکن کنید

ماه عزای فاطمه روح مدرم است

مهدی رسولی

برای شنیدن این روضه کیوآرکد زیر را اسکن کنید

مشکی‌ترین پرچم برای فاطمیه است